



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده مطالعات قرآنی

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث

تحلیلی بر میراث مکتوب حدیثی یونس بن عبد الرحمن

استاد راهنما:

دکتر فروغ پارسا

استاد مشاور:

دکتر سید محمد هادی گرامی

پژوهشگر:

یسرا مرادی

تیر ماه ۱۳۹۸

با سپاس فراوان

از استاد راهنما، دکتر فروغ پارسا

و استاد مشاور

جناب دکتر محمد هادی گرامی ،

که حقیر را در تدوین این پژوهش یاری نمودند.

تقدیم به

ساحت ملکوتی امام هشتم،

حضرت علی بن موسی الرضا

و فرزند نازنین ایشان حضرت جواد الائمه (علیهما السلام)

چکیده

آموزه‌های حدیثی امامان شیعه علیهم السلام تاریخ پرفراز و نشیبی را طی کرده است. امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فرزندان ایشان گنجینه‌ای گرانبها و عظیمی از حکمت و دانش را برای همه‌ی بشریت عرضه داشته‌اند. اما با این همه تنها در دوران صادقین علیهما السلام بود که این دو بزرگوار موفق شدند مدرسه حدیثی شیعه را تاسیس نمایند و شیعیان را آموزش دهند و شاگردان زیادی را تربیت نمایند. اصحاب و تربیت یافتگان امام صادق علیه السلام به تبعیت از امامان خویش شاگردان دیگری را تربیت نموده تا در دوران غیبت صغری آموزه‌های امامان شیعه را به دوستداران آنها منتقل نمایند.

در واقع شرایط تاریخی و سیاسی دوران ائمه در چگونگی رابطه ایشان با مردم تاثیرگذار بوده و چگونگی آموزش‌های ایشان را تعیین می‌کرد.

آشنایی با شخصیت‌های علمی اصحاب و یاران امامان شیعه علیهم السلام و تحلیل روایت‌های آنها، از جنبه‌های مختلف، حائز اهمیت است. این روایت‌ها از سویی نوع آموزه‌های امامان را مشخص می‌کند و از سوی دیگر بازتابی از شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران زندگی ائمه است. در عین حال فهم و تفسیر آموزه‌ها و روایات هر یک از امامان باید با توجه به شرایط تاریخی زمان ایشان انجام گیرد.

یکی از راه‌های اصلی برای رسیدن به دیدگاه‌های مختلف راویان و یاران امامان شیعه علیهم السلام و شناسایی شخصیت روایی آنها، تحلیل روایت‌های بازمانده از ایشان است. این تحلیل‌ها می‌تواند بازتابی از شرایط زندگی راویان نیز باشد. از طرفی در نظر گرفتن شرایط حاکم بر تاریخ حدیث در فهم روایات راویان موثر است.

"یونس بن عبدالرحمن" در شمار راویان پر روایت و اصحاب جلیل القدر امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) است که بررسی روایت‌های نقل شده از او می‌تواند بخشی از تاریخ حدیث را روشن‌تر نماید. علاوه بر توثیقات بسیار وی از جانب امامان و راویان، جواز رجوع به او در اخذ معالم دینی از سوی ائمه صادر شده است که اهمیت

بررسی هر چه بیشتر شخصیت و دوران تاریخی وی را نشان می‌دهد. او اولین کسی است که با جریان انحرافی واقفیه به مبارزه پرداخته و به دفاع از امام حاضر قد علم کرده است در نتیجه مخالفان فراوانی در طول تاریخ علیه وی بوجود آمده است.

پژوهش حاضر در تلاش است با نگاهی به تاریخ حدیث در قرن اول و دوم، به بررسی زندگینامه و شخصیت روایی یونس بن عبدالرحمن بپردازد، تا از این طریق شرایط حاکم بر دوران وی روشن گردد، زیرا بطور قطع این شرایط تاثیر مستقیم بر شخصیت روایی و احادیث نقل شده از او داشته است. سپس با بررسی احادیث بازمانده از یونس بن عبدالرحمن و طبقه بندی این احادیث، به روش اکتشافی روشن می‌نماید که میراث مکتوب این صحابه عالیقدر امام رضا(ع) ۱۱۲۱ روایت می‌باشد که بیشترین بسامد آنها به ترتیب شامل موضوعات فقه، قرآن، اخلاق و اعتقادات است. تعداد احادیثی که پیرامون فقه نقل شده، با بیشترین بسامد، ۴۵۰ روایت می‌باشد.

در پژوهش حاضر روش کلامی "هشام بن حکم" نیز مورد بررسی قرار گرفته است "که روش وی در شاگردان او از جمله یونس بن عبدالرحمن ادامه یافته است.

یکی از نکات مهمی که تنها از طریق تحلیل دقیق و همه جانبه در مجموع گزارش‌های نقل شده در منابع، درباره یونس بن عبدالرحمن می‌توان به آن رسید این نکته است که؛ دغدغه‌های خاطر و اهتمام اصلی یونس بن عبدالرحمن، صیانت از جامعه شیعی و معارف موجود در آن بود. به وجود آمدن شبکه‌های گسترده در جامعه شیعی و تحت تاثیر قرار دادن عموم شیعیان از جمله مسائلی بود که یونس بن عبدالرحمن را به تلاش و نقل روایات وا می‌داشت. این مسئله را در منهج حدیثی او و هم در دیدگاه‌های کلامی او می‌توان مشاهده کرد.

در خصوص منهج یونس بن عبدالرحمن در پذیرش روایات، با بررسی بازمانده‌های اندک روایات و نظریات هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن باید اذعان داشت که این دو نفر از نقادان حدیث بوده که به جای اهتمام بر جمع حدیث، در اصل پذیرش اخبار، روشی سختگیرانه داشته‌اند. سخت‌گیری او در جمع‌آوری حدیث و انکارش بر صحت صدور بسیاری از اخبار، در منابع کهن بازتاب یافته است.

دیگر مطلبی که در مبحث نقد حدیث از مکتب هشام بن حکم و به تبع وی یونس بن عبدالرحمن باید مورد توجه قرار گیرد، عرضه حدیث بر کتاب است؛ مسائله‌ای که در حد نظریه‌ای عمومی نزد قریب به اتفاق مذاهب اسلامی به عنوان اصلی انکارناپذیر، مورد تایید است. در این میان بر پایه آنچه در روایات برجامانده مندرج است؛ هشام بن حکم و همفکران او تاکید بسیاری بر ضرورت موافقت حدیث با ظاهر کتاب الله و کنار نهادن احادیث ناهمخوان، داشته‌اند.

واژگان کلیدی: یونس بن عبدالرحمن، حدیث شیعه، اصحاب خاص، جریان واقفیه، امام رضا(ع)، کتابت حدیث

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات پژوهش.....	۱
۱.۱. تبیین مساله.....	۱
۱.۲. اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۲
۱.۳. اهداف پژوهش.....	۲
۱.۴. پرسش های پژوهش.....	۲
۱.۵. فرضیه های پژوهش.....	۳
۱.۶. پیشینه پژوهش.....	۳
۱.۷. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش.....	۴
فصل ۲: نگاهی بر تاریخ حدیث.....	۶
۲.۱. حدیث در عصر نبوی.....	۶
۲.۲. سیری در تاریخ حدیث شیعه.....	۸
۲.۲.۱. دوران امام علی (ع) تا امام سجاد.....	۱۱
۲.۲.۲. دوران امام باقر(ع) تا امام رضا(ع).....	۱۷

- ۱۷.....۲.۲.۲.۱. شرایط سیاسی و فرهنگی شیعه در عصر صادقین
- ۲۲.....۲.۲.۲.۲. جریان حدیث در عصر صادقین
- ۲۶.....۲.۲.۲.۴. آشنایی با اصحاب خاص صادقین(ع)
- ۲۹.....۲.۲.۲.۵. اصحاب اجماع
- ۳۲.....۲.۲.۳. نگاهی بر تاریخ حدیث، پس از صادقین
- ۳۲.....۲.۲.۳.۱. شرایط سیاسی و فرهنگی پس از صادقین
- ۳۶.....۲.۲.۳.۲. نگاهی بر جریان حدیث در زمان امام کاظم(ع) و امام رضا(ع)
- ۳۹.....۲.۲.۳.۳. مراکز نشر حدیث شیعه
- ۴۵.....۳. حیات علمی و شرایط تاریخی یونس بن عبد الرحمن
- ۴۵.....۳.۱. تولد و وفات
- ۴۸.....۳.۲. شخصیت علمی
- ۴۸.....۳.۲.۱. طبقه روایی
- ۴۸.....۳.۲.۲. اساتید و شاگردان
- ۵۳.....۳.۲.۳. مکتوبات و مناظرات
- ۷۸.....۳.۲.۴. اصحاب اجماع
- ۷۸.....۳.۲.۵. دیدگاه علمای رجالی
- ۵۹.....۳.۲.۶. روایات امامان و نظرات علما درباره یونس بن عبد الرحمن
- ۶۲.....۳.۲.۷. بررسی اتهامات یونس بن عبد الرحمن

۸. ۲. ۳. موارد اختلاف دیدگاه برخی از اصحاب ائمه علیهم السلام یا یونس بن عبدالرحمن.....۶۶

۱. ۸. ۲. ۳. منهج حدیثی یونس و اختلاف دیدگاه در حوزه حدیث.....۶۷

۲. ۸. ۲. ۳. تحلیل عوامل موثر در اختلاف دیدگاهها با یونس بن عبدالرحمن.....۷۱

۹. ۲. ۳. شاگردی هشام بن حکم.....۸۰

۱۰. ۲. ۳. رابطه یونس بن عبدالرحمان با هشام بن حکم.....۸۱

۳. ۳. طبقه بندی و تحلیل میراث مکتوب یونس بن عبدالرحمن.....۸۳

۱. ۳. ۳. قرآن.....۸۳

۲. ۳. ۳. احادیث فقهی.....۸۶

۳. ۳. ۳. اعتقادی.....۸۹

۴. ۳. ۳. احادیثی با مضامین اخلاقی.....۹۴

۵. ۳. ۳. احادیث متفرقه.....۹۵

گذری بر شرایط سیاسی - اجتماعی و منهج حدیثی یونس بن عبدالرحمن.....۹۷

بررسی رویکرد عقلگرایانه یونس به حدیث.....۹۹

منابع.....۱۰۳

فصل اول

کلیات پژوهش

فصل اول : کلیات پژوهش

در راستای بیان کلیات پژوهش، به تبیین و ضرورت آن پرداخته، و با نگاهی به اهداف پژوهش، پرسش‌ها و فرضیه‌های آن را نیز بیان خواهیم کرد.

۱.۱. تبیین مساله

حدیث در کنار قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت اسلام است. در واقع حدیث منبع همه‌ی برداشت‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، اخلاقی و تفسیری مسلمانان محسوب می‌شود. علاوه بر این، می‌توان به حدیث متواتر "ثقلین" از پیامبر اسلام(ص) استناد کرد. ایشان فرمودند: "من در میان شما دو امانت نفیس می‌گذارم یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیت. و این دو امانت من هیچگاه از هم جدا نمی‌شوند تا بر من کنار حوض کوثر وارد شوند."

تاریخ حدیث و تحولات حدیثی از قرن ۱ تا ۳ هجری و وجود دیدگاه‌ها و حوزه‌های حدیثی ایجاد شده، بخصوص در سده ۳ هجری دلیلی بر اهمیت بررسی حدیث و تاریخ حدیث است.

بعد از امام صادق(علیه السلام)(م.۱۴۸هـ) در مکتب اهل بیت شاگردانی تربیت شدند تا آموزه‌های حدیثی را به نسل‌های بعد منتقل کنند و در ادامه این روند، به طور خاص در سده ۳ هجری اصحاب امامان و محدثان شیعه دیدگاه‌های مختلفی نسبت به حدیث صحیح و گزینش حدیث ارائه کردند. یکی از مهم‌ترین این افراد، "یونس بن عبدالرحمن(م.۲۰۸هـ)" از اصحاب اجماع بوده است.

ویژگی‌های قابل ذکر در خصوص یونس بن عبدالرحمن، روایات فراوان ایشان و تمجید ائمه از "یونس بن عبدالرحمن" است. با این حال روایات متعددی علیه وی وجود دارد که یونس را، نکوهش کرده است. این دو نگاه زاینده جریان‌های فکری است که در زمان یونس وجود داشته است. از این رو اوضاع تاریخی-سیاسی و اجتماعی آن دوره باید مورد بررسی قرارگیرد و دیدگاه‌های مختلف حدیثی وی تبیین گردد.

این پژوهش در صدد آن است که پس از معرفی "یونس بن عبدالرحمن" به عنوان یکی از اصحاب مهم امام رضا(علیه السلام)(م.۲۰۳هـ)، دیدگاه‌های وی را در انتخاب و نقل حدیث مشخص کند و تمایز دیدگاه یونس را با دیگر اصحاب در مورد گزینش حدیث صحیح معین نماید.

۱.۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

دیدگاه‌های کلامی اصحاب ائمه علیهم السلام و تفاوت برخی دیدگاه‌ها، به‌ویژه در قرن‌های دوم و سوم هجری، یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در اختلاف آراء اصحاب ائمه علیهم السلام در تاریخ حدیث شیعیه بوده است. از نمونه‌های آن که در پژوهش حاضر به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اختلاف دیدگاه یونس بن عبدالرحمن، از اصحاب برجسته امام کاظم و امام رضا علیهما السلام است. بطوری که برخی از مشایخ حدیث، با او اختلاف دیدگاه جدی داشته و در مقابل، شماری دیگر از مشایخ امامیه در دفاع از او اهتمام تام ورزیدند.

حال این پرسش مطرح می‌شود؛ علت این تقابل‌های دوگانه چه بوده و کدام یک از این دو رویارویی صحیح است؟

پاسخ به این پرسش جدی که چه عواملی در ایجاد اختلاف دیدگاه‌ها مدخلیت داشته، از ضرورت‌های بحث تاریخ حدیث بوده و گریزی از آن نیست. بنابراین مسئله اختلاف دیدگاه‌ها ایجاب می‌کند در خصوص تک تک راویان مهم، مطالعاتی دقیق صورت گیرد و جایگاه و نظرات آنان مورد بررسی قرار گیرد.

باید توجه داشت که در بررسی دیدگاه‌های مذکور، از تحلیل میراث مکتوب بجا مانده از این اصحاب برجسته ائمه، برای فهم عمیق‌تر واقعیت‌ها نیز نباید غافل شد.

۱.۳. اهداف پژوهش

- ۱- تبیین دیدگاه‌های حدیثی اصحاب ائمه
- ۲- طبقه بندی رویکردهای حدیثی اصحاب امام رضا علیه السلام
- ۳- شناخت ویژگی‌های حدیث صحیح از نگاه یونس بن عبدالرحمن

۱.۴. پرسش‌های پژوهش

سوال اصلی : رویکردهای حدیثی یونس بن عبدالرحمن در انتخاب حدیث نسبت به دیگر اصحاب چه تفاوتی داشته ؟

سوال فرعی ۱ : زندگی علمی یونس بن عبدالرحمن چگونه بوده است؟

سوال فرعی ۲ : یونس بن عبدالرحمن در دوران حیات خود با کدامین جریان‌های حدیثی روبرو بوده است؟

سوال فرعی ۳ : احادیث یونس بن عبدالرحمن در چه ابوابی قابل طبقه بندی است؟

۱.۵. فرضیه پژوهش

یونس بن عبد الرحمن در انتخاب حدیث، در مقابل جریانات حدیثی متعدد قرن ۲، رویکردی عقلگرایانه داشته است.

۱.۶. پیشینه پژوهش

درباره شخصیت حدیثی یونس بن عبد الرحمن چندین مقاله و یک رساله یافت گردید. لازم به ذکر است در تمامی این پژوهش‌ها نقاط مشترکی وجود داشته که هیچ‌گیزی از آنها در پیشبرد پژوهش وجود ندارد اما تفاوت‌های آنها با یکدیگر در ذیل به اختصار توضیح داده شده است:

۱- تاثیر دیدگاه‌های کلامی اصحاب امامان شیعه بر جرح و تعدیل راویان مورد اختلاف - مطالعه موردی

یونس بن عبدالرحمن (محمد مقداد امیری)

✓ در این رساله به بررسی دیدگاه‌های کلامی یونس و اختلاف دیدگاه‌های وی با دیگر

راویان حدیث پرداخته شده است و مرز رساله مذکور با پژوهش حاضر در تحلیل

مکتوبات حدیثی یونس بن عبد الرحمن است.

۲- واکاوی شخصیت روایی یونس بن عبد الرحمن (مهدی نیک پور - محمد حسین فیض اخلاقی)

✓ موضوع مقاله مذکور شرح حال زندگی یونس بوده . و اشاره‌ای به رویکردها و نگاه

حدیثی یونس نشده است.

۳- پایانامه روایات تفسیری یونس بن عبد الرحمن، بازیابی، گونه شناسی، اعتبار سنجی (نجمه کمالی نیا)

✓ در این پایانامه فقط به بررسی روایات تفسیری یونس پرداخته شده است.

۴- جایگاه یونس بن عبدالرحمن در کلام امامیه (سید میثم سعادت نژاد)

✓ در این مقاله به چرایی دیدگاه حدیثی یونس بن عبد الرحمن به احادیث و

جریان‌های موجود در آن زمان پرداخته نشده است.

۵- یونس بن عبدالرحمان، سلمان روزگار (عبدالکریم پاک نیا)

✓ همانطور که از نام مقاله مشخص است فقط احادیث مدح یونس مورد بررسی قرار

گرفته است.

۶- گرایش‌های فقه امامیه در سده دوم و سوم هجری (احمد پاکتچی)

✓ در بخشی از این مقاله به بررسی روش یونس بن عبدالرحمن در پذیرش حدیث اشاره شده است.

۱.۷. جنبه جدید بودن و نوآوری پژوهش

"یونس بن عبدالرحمن" زمانی می‌زیسته که رخداد‌های مهمی در جامعه اسلامی بوجود آمده بود. ارتقای سطح فکری و علمی جامعه و پیدایش فرقه‌ها با عقاید خاص خودشان، مثل فرقه واقفیه، مرجئه و... این عقاید نوپا باعث ایجاد تضارب آراء می‌شد که اصحاب ائمه از جمله یونس نیز از آن مستثنی نبوده است. از آنجایی که یونس ادامه دهنده عقاید "هشام بن حکم" بوده و اندیشه هشام در مخالفت با دیگر جریان‌های امامیه بوده، بنابراین یونس بن عبدالرحمن نیز به طبع، مخالفانی داشته است.

پژوهش حاضر پس از مشخص نمودن علت اختلاف دیدگاه یونس بن عبدالرحمن با دیگر اصحاب، به بررسی منهج حدیثی یونس در انتخاب حدیث صحیح پرداخته تا اینکه اثبات کند دیدگاه یونس نیز مورد تایید ائمه بوده و در نهایت میراث مکتوب حدیثی وی را طبقه بندی نموده و تحلیل می‌نماید.

فصل دوم

نگاهی بر تاریخ حدیث

فصل دوم: نگاهی بر تاریخ حدیث

لازم است در ابتدای این پژوهش با نگاهی اجمالی به جریان تدوین حدیث و حوادث رخ داده بر سیر کتابت آن از عصر نبوی تا امامت امام رضا(ع)، با تاریخ حدیث شیعه آشنا شویم.

۲.۱. حدیث در عصر نبوی

قرآن کریم به طور اجمال اعتقادات، اخلاق و احکام شرعی را بیان نموده است و از این منظر، تبیان و مبین کل شیء است اما بیان تفصیلی مطالب به رسول اکرم واگذار شده است. به همین جهت نحوه انجام بسیاری از احکام در قرآن ذکر نشده و این وظیفه بر دوش نبی اکرم نهاده شده است. به بیان دیگر تفسیر و تبیین احکام شرعی و دیگر موضوعاتی که در قرآن آمده، در سنت بیان شده است. به همین جهت، خداوند متعال در قرآن کریم تخلف از حکم پیامبر را جایز نمی‌داند و می‌فرماید: "ما آتاکم الرسول فخذوه و مانهاکم عنه فانتهوا". (حشر ۷). بنابراین مسلمانان از صدر اسلام برای دانستن احکام و فهم آیات مجمل قرآن نیاز به پیامبر داشتند و در فهم بیانات ایشان اهتمام می‌ورزیدند. (شانه چی، ۱۳۸۵: ص ۱۱)

با وجود علاقه صحابه به پیامبر و قداست ایشان در میان آنها، به خاطر پیشینه جاهلی و عدم فرهنگ و بینش آنها نسبت به آموختن و لزوم تلاش برای گذراندن زندگی، هنوز فرهنگ دانش‌پژوهی در میان آنها پا نگرفته بود. بیشتر صحابه مایل بودند که شخص دیگری از حضرت سوال کند و آنان کسب فیض کنند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۰) شاهد این سخن، فرمایشات حضرت علی (ع) در نهج البلاغه است که در مورد صحابه می‌فرماید: همه اصحاب رسول خدا (ص) اهل پرسش و طالب درک و فهم نبودند. آنان علاقه داشتند عربی بادیه نشین و یا رهگذری بیاید و از پیامبر سوال کند تا آنان گوش فرا دهند، ولی برای من موردی پیش نمی‌آمد مگر آن را از پیامبر می‌پرسیدم و حفظ می‌کردم. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰)

به دلیل فرهنگ جاهلیت، تخصص نداشتن مردم در علوم و ریزه‌کاری‌های آن و بی‌اطلاعی از معارف الهی و بشری، موجب شد که پرسش‌ها و فهم اکثر صحابه در حد معمولی باشد. بنابراین پیامبر هم موظف بود که به مقدار فهم مردم، با آنان سخن بگوید. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۹)

به ذهن سپردن و حفظ کردن حدیث، شیوه رایج آموزش در آن دوران بود. رواج این شیوه به سبب ناآشنایی بیشتر صحابه با کتابت و نوشتن بوده است. مشهور است که در ابتدای بعثت تنها ۱۷ نفر قدرت خواندن و نوشتن داشته‌اند. پس طبیعی است که بیشتر صحابه با حفظ کردن سخنان اقدام به یادگیری کنند. این روش موجب شد که نقل به معنا گسترش یابد و در بسیاری از موارد، سخنان پیامبر با الفاظ مشابه و مترادف نقل شود. زیرا در غیر اینصورت استفاده از حدیث بسیار محدود و نادر می‌شد. بنابراین، پیامبر نیز از این شیوه ممانعت نکردند. (همان، ص ۲۱)

رسول خدا (ص) در اعلام تعالیم دینی روش ویژه‌ای داشتند که از برخی احادیث می‌توان شیوه ایشان را کشف کرد: توجه به موقعیت، شمرده‌گویی و تکرار کلمات مهم از ویژگی‌های روش اعلام تعالیم دینی پیامبر (ص) بوده است. (همان، ص ۱۸)

این شیوه پیامبر در سخنان اصحاب ایشان نقل شده است:

ابن مسعود می‌گوید: "پیامبر احادیث را در زمان مناسبی بیان می‌کردند تا موجب خستگی و کسالت مردمان نشود. (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۵). ایشان از طولانی کردن سخن خودداری می‌کردند و شمرده سخن می‌گفتند و در میان آن کمی سکوت می‌کردند تا شنوندگان به راحتی آنها را حفظ کنند." (السنن الکبری، ج ۳، ص ۲۰۷).

انس بن مالک می‌گوید: "پیامبر گاهی کلمات مهم خود را سه مرتبه تکرار می‌کردند تا هر کس آن را می‌شنود خوب بفهمد و آن را درک کند." (همان، ج ۱، ص ۳۲)

تلاش پیامبر و اصحاب ایشان در صدور و گسترش معارف دینی، سبب پیدایش شیوه‌هایی در نشر حدیث شد. برخی از این روش‌ها بدین قرار است:

۱. اهتمام به آموزش‌های خصوصی اصحاب

۲. ایراد خطبه‌های عمومی: خطبه فتح مکه، خطبه منی در مسجد خیف و خطبه در غدیر خم از خطبه‌های مشهور پیامبر است.

۳. اعزام مبلغان: پیامبر افزون بر آموزشی که شخصا انجام می‌داد، اشخاصی را برای تعلیم دین به شهرهای دیگر مأمور می‌کرد: "مصعب بن عمیر" را قبل از هجرت خود به مدینه فرستاد تا مردمان را قرآن و معرفت بیاموزد. امام علی (ع) "معاذ بن جبلگ را نیز در سال‌های آخر هجرت به یمن فرستاد تا احکام بیاموزند.

۴. ترغیب به حفظ و نقل حدیث: رسول خدا (ص) مسلمانان را به نقل و نشر حدیث ترغیب می‌کرد. در مواردی ایشان پس از ایراد سخنرانی فرموده است: "باید حاضران این مطالب را به غایبان برسانند. . (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۲۴، ۲۵)

۵. حضور گروه‌ها (وفود): مراجعه وفود تازه مسلمان به مدینه از اسباب دیگر نشر حدیث بود. آنها به خدمت رسول خدا (ص) می‌رسیدند و از احکام شریعت سؤال می‌کردند و بعد از مراجعت به بلاد خود و اطراف جزیره العرب احادیث را بازگو می‌کردند. مخصوصا در سال‌های آخر عمر پیامبر و پس از فتح مکه این امر به طور فزاینده‌ای رو به فزونی نهاد. این مسئله موجب شده است که در کتب سیره و تواریخ اسلامی بابی به عنوان "وفود العرب" آورده شود. (شانه چی، ۱۳۸۵: ص ۱۴)

۲.۲. سیری در تاریخ حدیث شیعه

در این بخش با نگاهی بر شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه شیعه و تطور آن در طول زمان به بررسی تاریخ حدیث شیعه تا زمان حیات امام رضا (ع) می‌پردازیم تا بدین طریق به شرایط حاکم بر زندگی یونس بن عبدالرحمن نزدیک شده و بتوانیم تحلیل‌های صحیحی از رویکردهای این صحابی بزرگوار امام رضا (ع) داشته باشیم.

مجموعه گزارش‌های حاکی از سنت نبوی و معصومان (ع)، که از طریق راویان و محدثان شیعه منتقل و سپس تدوین شده است، حدیث شیعه نامیده می‌شود. این اصطلاح در مقابل حدیث اهل سنت قرار می‌گیرد که گزارش سنت نبوی را از طریق صحابه و تابعین پیگیری می‌کند و برای اهل بیت پیامبر خصوصیتی و ویژگی قائل نیست. "ابان بن تغلب" راوی و شاگرد خاص امام سجاد (ع)، و صادقین حدیث شیعه را اینگونه معرفی

می‌کند: شیعیان کسانی‌اند که آنگاه که مردمان در اوامر رسول الله (ص) اختلاف کردند به قول امام علی (ع) استناد کردند و آنگاه که پس از ایشان نیز اختلاف پدید آمد به سخن امام صادق (ع) تمسک می‌کنند. (رجال نجاشی، ص ۱۲)

آشنایی با سیر تولد، رشد، دوران‌های گوناگون و نگرش‌های متفاوت و حوادث پدید آمده بر حدیث و محدثان، تاریخ حدیث شیعه نامیده می‌شود، که از اهمیت خاصی برخوردار است. نگاه بسیط و گاهی بدون دقت لازم به حدیث سبب می‌شود که استفاده از این معارف والا، به فهم ساده برخی از مفاهیم مقدس محدود شود. این ساده‌نگری در مواجه شدن با حدیث، در بسیاری از موارد ما را از فهم دقیق و عمیق آموزه‌های دینی محروم می‌کند. بی‌توجهی به بستر پیدایش سخن معصوم یا سیر گزارش و نقل آن، ما را از فواید بسیار زیاد موجود در این متون جدا می‌سازد. شیوه نقل و جمع‌آوری سخنان معصومین (ع)، بررسی گونه‌های فکری و نگرشی محدثان و دانشمندان، آشنایی با نگارش‌های متفاوت در طول این دوران و ... تصویری دقیق و عمیق از حدیث شیعه ارائه می‌دهد که بسی سودمندتر از نگاه بسیط و ساده ابتدایی است. (معارف، ۱۳۹۶: ص ۱۹۷)

حدیث شیعه، هویتی مستقل و متمایز از حدیث اهل سنت دارد که از زمان پیامبر اکرم تا زمان حاضر استمرار و ادامه داشته است. بنابراین، شناخت این رشته علمی، شایسته تحقیق و پژوهشی متمایز از حدیث اهل سنت است.

ممانعت صد ساله نگارش و تدوین حدیث در حوزه اهل سنت، هر چند دورانی سخت و طاقت فرسا برای محدثان و محققان فرهیخته و غیر متعصب بود، ولی به حوزه شیعه آسیب جدی وارد نساخت. دانشمندان و راویان بزرگوار شیعه، توصیه معصومان را به نشر و گسترش حدیث آویزه گوش ساختند و میراث حدیث اهل بیت را به یکدیگر منتقل کردند. از این رو میراث حدیثی شیعه، همواره پیوستگی و استمرار خود را حفظ کرده است.

میراث حدیثی شیعه دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است که آن را استوار و قوام می‌بخشد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. **دسترسی به معصومان:** پیامبر عترت خویش را قرین قرآن معرفی کرده است. حدیث مشهور ثقلین، محکم‌ترین دلیل نزد شیعه و سنی است. «... إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أُمْرِينَ إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِزَّتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَ قَدْ بَلَّغْتُ إِيَّاكُمْ سَتَرْدُونَ عَلَيَّ الْحَوْضَ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي...». (کافی، ج ۱، ص ۲۹۴)

همراهی و همگونی امامان اهل بیت با قرآن نشان‌دهنده عصمت و حجیت آنان است. شیعیان در مدت زمانی طولانی، به این منبع مطمئن دسترسی داشته‌اند. حضور دویست و پنجاه ساله امامان معصوم در کنار میراث حدیثی بیست و سه ساله پیامبر(ص) پشتوانه‌ای ارزشمند برای شیعه محسوب می‌شود که هیچ گروهی را در آن شراکت نیست. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۴۶)

۲. **عدم نیاز به غیر معصوم:** استمرار صدور حدیث، موجب غنای فرهنگ شیعی و عدم احتیاج آن به معارف ناخالص دیگر شد. دیگر فرقه‌های اسلامی تنها سخنان ۲۳ ساله پیامبر را در اختیار دارند که با توجه به عدم فرهنگ ضبط و دانش آموزی، از دقت لازم برخوردار نیست. آنان برای پرکردن خلأ معرفتی خویش، به ناچار به منابع غیر مطمئن، مانند حجیت قول صحابه و تابعان، روی آوردند. (همان: ص ۴۶)

۳. **راویان دانشمند:** استمرار امامت سبب تغییر فرهنگ و پدید آمدن قشر فرهنگی و شاگردان دانش شد. یاران امام باقر و امام صادق(ع)، افرادی تیزبین، پژوهشگر، پرسشگر و کنجکاو بودند و خود و زندگی خویش را وقف آموختن و آموزاندن کرده بودند. دسترسی این گروه به معصومین، سبب بارور شدن فرهنگ غنی شیعه شد.

۴. **روشن شدن جزئیات معارف:** استمرار امامت، موجب پاسخگویی به سؤالات گوناگون درباره جزئیات و مباحث تفصیلی احکام و معارف شد. سؤالات قرآنی، فقهی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی در بستر زمان پدید آمد و پاسخ می‌طلبید. زمان کوتاه پیامبر(ص) زمینه گسترش پاسخگویی و تبیین معارف برای تمامی مردمان را نداشت، بنابراین طرح این شبهات و آگاهی از جزئیات در سال‌های پس از آن و در عصر صادقین(علیهما السلام) و امام رضا(ع) انجام شد. بسیاری از زوایای پنهان احکام و معارف الهی بدین گونه در اختیار مردم قرار گرفت. حتی جامعه علمی اهل سنت نیز از این شیوه استفاده می‌کرد و پاسخ‌های خود را از معصومین فرا می‌گرفت. (همان: ص ۴۷)

۵. **آموزش قواعد کلی:** معصومین تنها به پاسخگویی به سؤالات جزئی نمی‌پرداختند. آنان قواعد کلی فهم احکام و معارف را به شاگردان خویش منتقل و آنان را در اجتهاد و استنباط یاری می‌کردند. ایده اصلی امامان، آموزش قواعد کلی و اصول معارف به اصحاب خویش بود. یاران ایشان هم با استفاده از این اصول و شیوه، معارف جزئی را استخراج کنند. (همان: ص ۴۷)

۶. **ترویج فرهنگ نوشتاری:** توصیه به نگارش حدیث و تدوین آن در مجموعه‌ها، توصیه مکرر و مستمر امامان شیعه از اولین تا آخرین بوده است. بدین سبب نوشتن حدیث و تدوین آن در رساله‌ها و جوامع حدیثی از دوران امام علی (ع) آغاز شد و در زمان‌های بعد گسترش یافت. این فرهنگ در سال‌های پس از دوران حضور نیز ادامه یافت و موجب پدید آمدن نگارش‌های حدیثی شد. (همان، ۴۹)

به طور کلی در مورد دستاوردهای حدیثی اعصار مختلف باید گفت که از عصر اول جز آثاری اندک باقی نمانده است. در مقابل عصر دوم یعنی دوران صادقین (علیهم السلام) مهم‌ترین عصر را در جریان حدیث تشکیل می‌دهد. زیرا در این برهه از زمان ده‌ها هزار حدیث توسط آن دو بزرگوار صادر گردید و در اختیار اصحاب و راویان آنان قرار گرفت و شاگردان صادقین (علیهم السلام) نیز با دقت خاصی این روایات را ضبط کرده و در اختیار طبقات بعد قرار دادند. ادوار بعدی نیز دوره‌های تکمیل دامنه حدیث توسط امامان پس از صادقین از یک طرف و پیدایش جوامع عمده حدیثی در شیعه از طرف دیگر است. (معارف، ۱۳۸۶: ص ۶۵)

۲.۲.۱. قرن اول: دوران امام علی (ع) تا امام سجاد

شرایط سیاسی و فرهنگی شیعه در قرن اول (دوران امام علی (ع) تا امام سجاد)

قرن اول زمان حیات چهار تن از امامان است و به جز دوره کوتاهی که در آن حضرت علی (ع) بر مسند خلافت نشست در سایر ایام امامان از صحنه سیاسی جامعه به دور بوده و حتی در شرایط خفقان به سر برده‌اند. به تعبیر دیگر جدا از چند سال خلافت علی (ع) قرن نخست هجری در تاریخ شیعه که از دو مقطع کاملاً متمایز تشکیل شده است: مقطع دوری از خلافت علی (ع) که در آن اهل بیت رسول خدا (ص) از صحنه سیاسی و فرهنگی به دور مانده و همانند افراد معمولی به زندگی ادامه داده‌اند و به طور طبیعی در این دوره واقعیتی به عنوان حدیث شیعه وجود ندارد و مقطع پس از شهادت علی (ع) که با به قدرت رسیدن بنی امیه، سیاست‌های ضد شیعه از سوی خلفا به مرحله اجراء گذاشته شد و اهل بیت (علیهم السلام) بیش از پیش در فشار و مضیقه قرار گرفتند.

اما وقوع جنگ‌های متعدد اما علی(ع) در دوران خلافت پنج ساله ایشان، جنگ و صلح امام حسن(ع) با معاویه، ظهور انقلاب خونین کربلا و حتی ماجرای قیام و انقلاب زید بن علی در کوفه موجب گردید که در این قرن کمتر شخصیت فقهی و فرهنگی این مکتب جلوه‌گر شود. به طوری که پس از واقعه کربلا عده‌ای از شیعیان (زیدیه) تصور کردند که یکی از اختصاصات شیعه قیام مسلحانه امام می‌باشد و آنان به همین دلیل از امامت امام باقر و امام صادق(ع) روی برتافتند.(معارف، ۱۳۹۶:ص ۲۰۲)

در این دوران به علت ممنوعیت نگارش حدیث پیامبر(ص) بعد از رحلت ایشان، در اهل سنت رکود علمی جریان داشت. این دستور از طرف خلفا صادر شد و سبب شد تا گروه زیادی از فقها و محدثان عامه از نگارش و تدوین حدیث خودداری کرده و فقط به نقل شفاهی حدیث مشغول شوند و در نتیجه این شرایط بسیاری از روایات فراموش شد.(همان، ص ۲۰۳)

با به خلافت رسیدن معاویه، جعل حدیث بر ضد علی(ع) و خاندان ایشان پی‌ریزی شد و به صورت بخشنامه به استانداران ابلاغ شد. در این دوران موضع امامان شیعه(ع) و یاران آنان سکوت محض و یا پذیرش قطعی سیاست‌های خلفا نبود. بلکه به قرائن تاریخی، شیعیان نه از سیاست‌های خلفا در منع نقل و نگارش حدیث تمکین نمودند و نه نسبت به ذکر مناقب خاندان پیامبر(ص) تقیه و یا مصلحت اندیشه پیشه ساختند.(همان:ص ۲۰۲).

شاهد این مسئله روایتی است که از یاران علی(ع) در مقابل سیاست‌های حاکم و استقامت آنان حکایت می‌کند. به طور مثال: ابوذر صحابی بزرگ رسول خدا(ص) در منی و نزدیک جمره وسطی نشسته بود و انبوهی از مردم به دورش گرد آمده بودند و از وی درباره مسائل دینی پرسش می‌نمودند. ناگهان یکی از مأموران خلیفه سر رسید و به او گفت: مگر ترا از فتوا و نقل حدیث نهی نکرده‌اند؟ ابوذر گفت: آیا تو مأموری که مرا تحت نظر بگیری؟ سپس به پشت گردن خود اشاره کرد و گفت: اگر شمشیر را اینجا گذاری و گمان برم که می‌توانم قبل از بریده شدن سرم یکی از سخنانی را که از پیامبر(ص) شنیدم بازگو کنم، بدون تردید خواهم گفت. (دارمی، ۱۴۰۰: ج ۱ ص ۱۳۲)

رشید هجری و میثم تمار دو بزرگواری هستند که در راه وفاداری به علی(ع) به شهادت رسیدند و تا آخرین لحظات به نقل فضائل علی(ع) می‌پرداختند و به همین دلیل مأموران ابن زیاد زبان آنها را قطع کردند و آنها را به شهادت رساندند. این نکته را باید در ذهن داشت که به غیر از اصحاب و یاران خاص حضرت علی(ع) توده مردم و نسل جدید در زمان خلافت آن امام بزرگوار هیچ‌گونه آشنایی با سنت نبوی نداشتند اگرچه ایشان توانست با

همین مردم سست اراده سه جنگ بزرگ و مهم را ساماندهی کند، ولی سال‌های آخر عمر را با مظلومیت گذراند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۱۱)

خطبه‌های ایشان در نکوهش مردم کوفه، که حتی تجاوز سربازان معاویه به حریم کوفه را نیز نظاره‌گر بودند، در نهج البلاغه و دیگر کتب حدیثی آمده است. امام علی (ع) مردم کوفه و سپاهیان خود را با این اوصاف معرفی می‌کند: گرفتار کسانی شده‌ام که چون امر می‌کنم فرمان نمی‌برند و چون می‌خوانم پاسخ نمی‌دهند. فریاد دادخواهی سر می‌دهم و یاری می‌جویم، نه سخنم را می‌شنوید و نه فرمانم را می‌برید (نهج البلاغه، خطبه ۳۹).

پس از شهادت امام علی (ع) این چنین مردمانی نافرمان و متشتت با امام حسن (ع) بیعت کردند و همانند پدر بزرگوارش او را نیز تنها گذاشتند و به سوی معاویه رفتند. حتی فرمانده سپاه امام حسن (ع) نیز به معاویه پناهنده شد و سربازان، سجاده از زیر پای امام حسن (ع) کشیدند و او را زخمی کردند. این حوادث به صلح امام حسن (ع) با معاویه منجر شد و پس از آن امام به مدینه بازگشتند. (معارف، ۱۳۹۶: ص ۱۴۵)

دوران ده ساله زندگی امام حسن (ع) پس از شهادت امیرالمؤمنین از سخت‌ترین و حزن‌انگیزترین دوران‌هاست. معاویه به قرارداد خود پای بند نبود و تعریض و لعن امام علی (ع) را فرو نمی‌نهاد، بر شیعیان سخت می‌گرفت و دست و زبان بدکاران و بدگویان علیه اهل بیت را باز می‌نهاد. شیعیان سست عنصری که موقعیت و مصلحت را تشخیص نمی‌دادند، نیز بر امام خرده می‌گرفتند و او را سازش‌کار می‌دانستند، تا جایی که برخی در مواجهه مستقیم با ایشان، عنوان مذلل‌المؤمنین را به کار می‌بستند. (امامی، ۱۳۹۲: ش ۷۵، ۷۶)

سرانجام امام حسن (ع) در سال ۵۰ هجری به شهادت رسید و امام حسین (ع) منصب امامت را عهده‌دار شد. ده سال اول امامت ایشان نیز همراه با خلافت معاویه سپری شد و او تمامی تزویرها، سیاست‌ها و راهکارهایی که نسبت به امام حسن (ع) در پیش گرفته بود نسبت به امام حسین نیز انجام داد.

توده مردم در زمان امام حسن (ع) و امام حسین (ع) تابع فرهنگ حکومتی بودند و بدین سبب حتی سوالات فقهی و حدیثی خود را از امثال عبدالله بن عمر، عبدالله بن عمرو عاص، ابوهریره و عایشه می‌پرسیدند و از اهل بیت دوری می‌گزیدند. (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

تبلیغات مغرضانه معاویه، توطئه‌های طرفداران بنی‌امیه و عدم اقبال عموم مردم به امام حسن (ع) و امام حسین (ع) موجب شد تا احادیث به جا مانده از آن دو امام بزرگوار، بسیار محدود جلوه کند.